

پندهای زیروز و شادی های ماه مبارک رمضان

مصطفی رحمان دوست
تصویرگر: مهدی معتضدیان





بچه‌های
دلیر روز
و شادای های
ماه مبارک رمضان

مصطفی رحماندوست
تصویرگر: مهدی معتضدیان



سرشناسه: رحماندوست، مصطفی - ۱۳۲۹ -
حوال و نام پدیدآور: بچه‌های دیروز و شادی‌های ماه مبارک رمضان / نویسنده: مصطفی رحماندوست؛
تصویرساز: مهدی معتضدیان
مشخصات نشر: تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۶۲ ص. - مصور (رنگی).
شابک: ۵-۵۳۵-۲۳۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: گروه سی: سه، ح
موضوع: رمضان
موضوع: رمضان - شعائر و مراسم مذهبی
موضوع: روزه
شناسه افزوده: معتضدیان، مهدی، ۱۳۶۳ - - تصویرگر
شناسه افزوده: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر
رده بندی دیویی: ۱۳۹۱ - ۳۹۲، ۳۵۴، ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۰۴۵۴۷

بچه‌های دیروز و شادی‌های ماه مبارک رمضان

نویسنده: مصطفی رحماندوست
تصویرساز: مهدی معتضدیان
گرافیک و صفحه‌آرایی: مؤسسه نشر شهر - آنتیه اسفند
چاپ و صحافی: مؤسسه نشر شهر
نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۹۱
شابک: ۵-۵۳۵-۲۳۸-۹۶۴-۹۷۸
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
بها: ۲۸۰۰۰ ریال
همه حقوق محفوظ است.

نشانی:

تهران، خیابان پاسداران، خیابان گل‌نی، خیابان شهید ناطق نوری (زمره) شماره ۵۶
بوستان کتاب، واحد ۱۲، مؤسسه نشر شهر
تلفن: ۲۲۸۴۲۲۷۸ - ۲۲۸۵۸۴۷۴ - ۲۲۸۵۶۱۱۸
فروشگاه مرکزی: ضلع شمالی میدان فلسطین، شماره ۹
تلفن: ۸۸۹۵۲۵۲۲
مرکز چاپ: تهران، خیابان مطهری، بعد از تقاطع بهروردی، شماره ۵۱
تلفن: ۸۸۴۲۱۹۰۶

www.shahrpress.ir E-mail: info@shahrpress.ir



مؤسسه نشر شهر

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران

فهرست

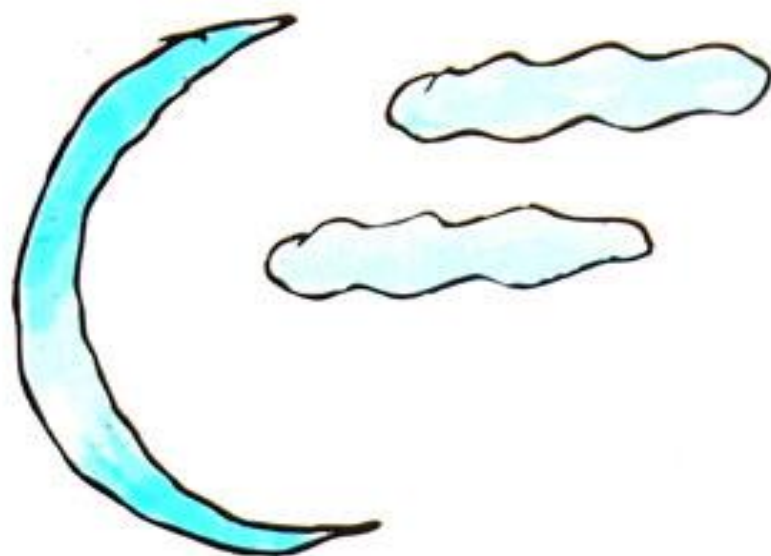
۶ نقش بچه‌ها در ماه مبارک رمضان

۷ پیش از ماه مبارک

۲۱ ماه رمضان

۳۵ ماه شادی

۵۷ عید فطر



🌙 ماه نهم سال قمری «رمضان» نام دارد. در ماه رمضان، هر مسلمانی که توانایی داشته باشد، روزه می‌گیرد. یعنی از آغاز صبح تا آغاز شب، چیزی نمی‌خورد و نمی‌آشامد و سعی می‌کند آدم خوبی باشد، دروغ نکوید، زور نکوید. حرف بد نزنند و...

با این که روزه‌داری مال بزرگ‌ترهاست، اما بچه‌ها هم در ماه رمضان وضعشان عوض می‌شود. در ماه رمضان، زندگی خانوادگی یک جور دیگر می‌شود. مثل ماه‌های دیگر، افراد خانواده با هم صبحانه و نهار نمی‌خورند. ساعت خواب و بیداری و کار و بازی و... مردم تغییر می‌کند. زندگی بچه‌ها هم که در خانه و با بزرگ‌ترها زندگی می‌کنند، یک جور دیگر می‌شود.

با این که وظیفه‌ی هر مسلمانی در ماه رمضان معلوم است و همه مثل هم روزه می‌گیرند، اما همه‌ی مسلمانان دنیا یک جور با ماه رمضان برخورد نمی‌کنند؛ حتی رفتارها و برنامه‌های مردم شهرهای مختلف یک کشور هم با یکدیگر فرق می‌کند.

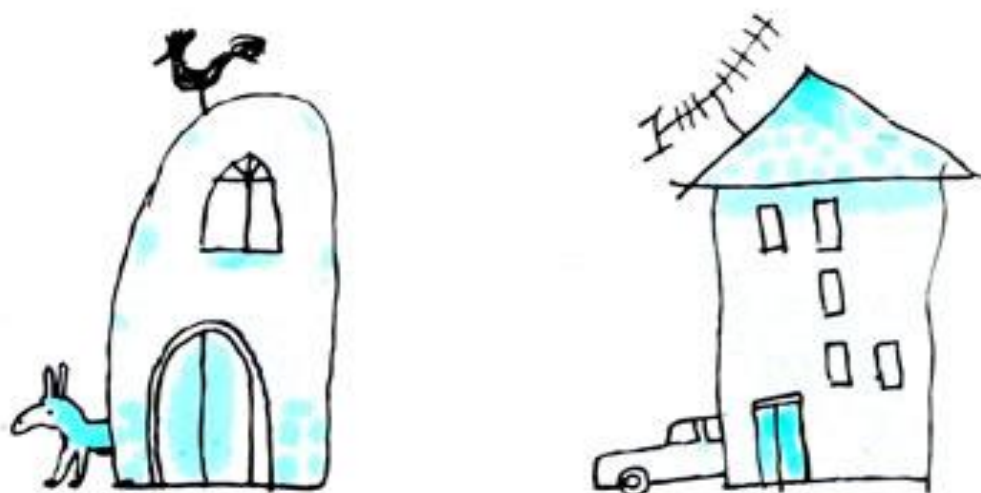
خیلی از بچه‌ها دوست دارند ادای بزرگ‌ترها را درآورند؛ در برنامه‌ی بزرگ‌ترها شرکت کنند و مثل آن‌ها رفتار کنند؛ مثلاً در همه جا بچه‌ها سعی می‌کنند مثل بزرگ‌ترها سحرها از خواب برخیزند، سحری بخورند و روزه بگیرند. این علاقه، کشمکشی همیشگی میان بچه‌ها و بزرگ‌ترها ایجاد کرده است.

در ماه رمضان که ماه عبادت بزرگ‌ترهاست، بچه‌ها دست به کارهای مهمی زده‌اند و می‌زنند که مخصوص خودشان است؛ کارهایی که گاه بزرگ‌ترها در آن شرکت دارند و گاه نه.

ماه رمضان، بیست‌ونه یا سی روز است. در طول این ماه جز روزه گرفتن، برنامه‌ها و مراسم دیگری هم هست که بچه‌ها در آن‌ها نقش عمده دارند. همین مراسم و برنامه‌هاست که ماه رمضان هر شهر و روستایی را با شهرها و روستاهای دیگر متفاوت می‌کند. در این کتاب سعی شده است به بخشی از آداب و رسوم مردم ایران در شهرهای مختلف اشاره شود و نقش بچه‌ها، مخصوصاً بچه‌های دیروز در برپایی مراسم ماه مبارک رمضان برای شما گفته شود.

نقش بچه‌ها در ماجراهای ماه مبارک رمضان

به دلیل تفاوت فرهنگ‌ها، آب و هوا، سابقه و نژاد مردم مناطق مختلف، بسیاری از آداب ماه رمضان هر شهری با جاهای دیگر فرق می‌کند. شاید بعضی از مراسم شادی‌آوری که در این کتاب گفته می‌شود، دیگر در میان شهرها رایج نباشد. اما اگر سری به روستاها بزنیم، باز هم با برنامه‌هایی شبیه آنچه که می‌خوانید، روبه‌رو می‌شویم. تغییر وضع زندگی مردم، گسترش وسایل ارتباطی و کرفتاری‌های زندگی شهری، برخی از این آداب و رسم‌ها را به باد فراموشی سپرده است. حتی اگر چنین برنامه‌هایی هم دور و بر شما وجود نداشته باشد، بد نیست بدانید بچه‌های مناطق مختلف در ماه رمضان چه کارهایی می‌کرده‌اند و چه برنامه‌هایی داشته‌اند.





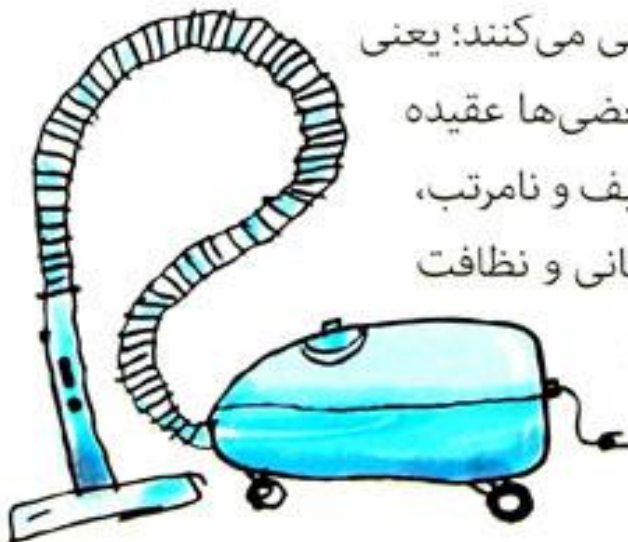
پیش از
ماه مبارک

❁ از نیمه‌ی ماه شعبان، یعنی دو هفته مانده به ماه رمضان مردم کم‌کم برای ماه روزه‌داری آماده می‌شوند. بچه‌ها در تمام برنامه‌هایی که پیش از ماه رمضان اجرا می‌شود، نقش‌های عمده‌ای دارند مثلاً:

الف خانه‌تکانی و نظافت

بزرگ‌ترها عقیده دارند که در ماه رمضان باید خانه‌ها و وسایل زندگی‌شان تمیز و آماده باشد. بعضی‌ها به دلیل این‌که در ماه رمضان ممکن است توان کار زیاد را نداشته باشند یا خانه‌شان در ماه رمضان که محل رفت و آمد بیشتری می‌شود، کثیف و

بد نباشد، پیش از ماه رمضان خانه‌تکانی می‌کنند؛ یعنی همه‌جا را گردگیری و تمیز می‌کنند. بعضی‌ها عقیده دارند که شیطان توی خانه و وسایل کثیف و نامرتب، پنهان می‌شود؛ به همین دلیل خانه‌تکانی و نظافت می‌کنند تا شیطان را از خود دور کنند.



ب خرید نیازهای ماه رمضان

شاید حالا دیگر نیازی به خرید همه‌ی مواد غذایی مورد نیاز ماه رمضان نباشد، اما در شهرهای کوچک و روستاها برنج، خرما، قند، چای، عدس، گوشت و... مورد نیاز یک ماه خود را یک جا تهیه می‌کنند و در خانه می‌گذارند تا ماه رمضان را بدون دغدغه پشت سر بگذارند.



پ نظافت و تزئین مسجدها و حسینیه‌ها

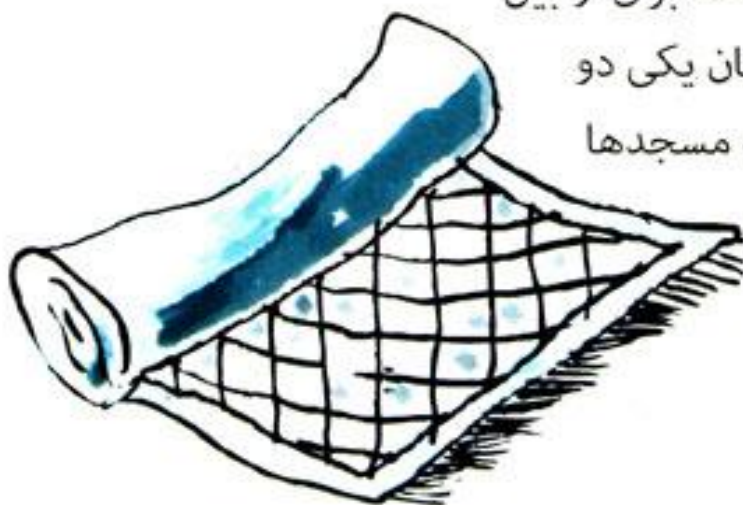
بچه‌ها، یار اصلی نظافت مسجدها و حسینیه‌ها هستند. در این کار، بزرگ‌ترها کمتر دخالت می‌کنند و کار را به بچه‌ها می‌سپارند. در میان ترکمن‌ها رسم است که دختران نوجوان از چند ماه به ماه رمضان مانده مشغول بافتن قالیچه‌های کوچکی می‌شوند که به آن‌ها «نماز لیق» گفته می‌شود. دختران نوجوان این فرش‌های کوچک را پیش از فرا رسیدن ماه رمضان به مسجدهای محله‌شان هدیه می‌کنند. بعضی

از دخترها نذر می‌کنند که برای از بین

رفتن مشکلات زندگی‌شان یکی دو

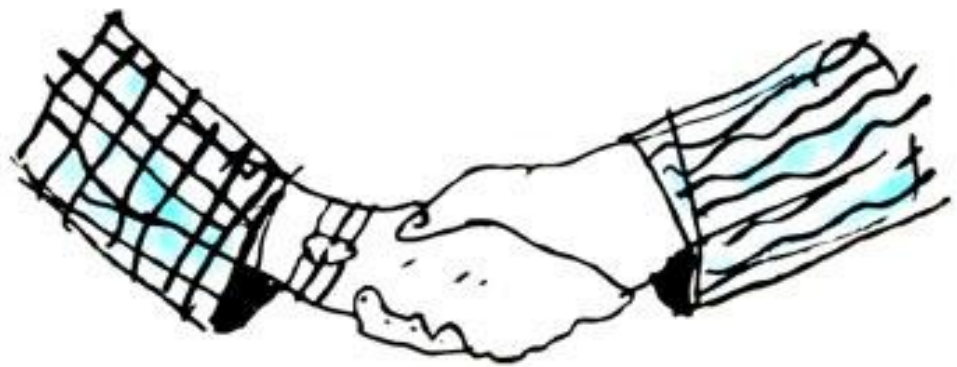
تا «نماز لیق» ببافند و به مسجدها

هدیه کنند.



ت گذشته‌ها گذشته

با نزدیک شدن ماه رمضان، بزرگان قوم سعی می‌کنند کسانی را که با هم اختلاف دارند و با یکدیگر قهر کرده‌اند، آشتی دهند. کار آشتی دادن کسانی که با هم قهر بوده‌اند، مراسمی دارد: «معمولاً ریش‌سفیدها بچه‌ها را به در خانه‌ی کسانی که با هم قهر هستند، می‌فرستند و از آن‌ها دعوت می‌کنند که در ساعتی مشخص به خانه‌ی یکی از بزرگان بیایند. با این‌که بچه‌ها می‌دانند طرفین دعوا را چرا دعوت کرده‌اند، اما به توصیه‌ی بزرگ‌ترها رازداری می‌کنند و خودشان را به نادانی می‌زنند و چیزی نمی‌گویند. فقط تأکید می‌کنند که سر ساعت در خانه‌ای که دعوتشان کرده‌اند، حاضر باشند. آن‌ها هم دعوت ریش‌سفیدها را رد نمی‌کنند. وقتی بی‌خبر از دلیل دعوتشان به آن خانه می‌روند و در کنار بزرگان با کسی که قهر کرده‌اند، روبه‌رو شوند، به احترام ریش‌سفیدها و بزرگ‌ترها به یکدیگر دست می‌دهند. معمولاً صاحب‌خانه در چنین



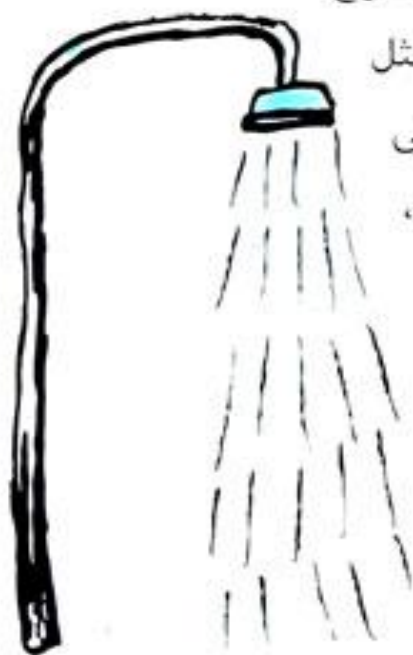
برنامه‌هایی کمی درباره‌ی بد بودن قهر و کینه و خوبی آشتی و دوستی حرف می‌زند، سپس می‌گوید که در ماه رمضان نباید مسلمانان با هم قهر باشند.

مراسم آشتی‌کنان در جاهای مختلف با برنامه‌ها و شیوه‌های متفاوتی انجام می‌شود. مثلاً در ترکمنستان به این برنامه «یاش اولی» می‌گویند. در یزد و همدان هم چنین مراسمی وجود دارد و به آن «آشتی‌کنان» می‌گویند. بعد از این که در خانه‌ی ریش‌سفید و بزرگ محله مراسم آشتی‌کنان انجام شد، دیگر طرفین دعوا حرفی از گذشته‌ها نمی‌زنند و کینه‌ها و دلخوری‌ها را فراموش می‌کنند.

ث حمام رفتن

در اغلب خانه‌های شهری حمام هست و هر کسی می‌تواند هر وقت دلش بخواهد به حمام برود، اما در روستاها حمام‌های خانگی کم است و هر منطقه‌ای يك حمام عمومی دارد. حمام‌های عمومی روزها زنانه می‌شوند و شب‌ها مردانه. همه‌ی بزرگ‌ترها چه مرد و چه زن سعی می‌کنند یکی دو روز به ماه رمضان مانده، حتماً به حمام بروند و خودشان را برای ماه رمضان پاک و پاکیزه کنند. در بعضی از شهرها در چنین روز و شب‌هایی آن‌قدر حمام‌ها شلوغ

می‌شد که شلوغی حمام‌ها ضرب‌المثل شده است. مثلاً می‌گویند: «خیلی شلوغ بود جای سوزن انداختن نبود، مثل حمام شب ماه رمضان.»



ج کلوخ اندازان

کلوخ اندازان یکی از رسم‌های بسیار دوست‌داشتنی بچه‌ها بوده است. در اغلب شهرها و روستاهای ایران، روزهای آخر ماه شعبان (مخصوصاً جمعه‌ی آخر ماه شعبان) را کلوخ اندازان می‌نامیدند. مردم در یکی از روزهای آخر ماه شعبان دور هم جمع می‌شدند و به شادی و خوشی می‌پرداختند و آمدن ماه رمضان را به یکدیگر تبریک می‌گفتند و برای هم آرزو می‌کردند که ماه روزه‌داری را با موفقیت در عبادت پشت سر بگذارند. اگر ماه رمضان در فصلی بود که هوا مناسب بود، غذایی می‌پختند و به باغ‌ها و گردشگاه‌های اطراف شهر می‌رفتند. در بعضی از شهرها غذاهای مراسم کلوخ اندازان با غذاهای هر روزه فرق می‌کرد. خانواده سعی می‌کردند غذاهای مقوی و انرژی‌زا بپزند تا برای روزه‌داری آمادگی بیشتری داشته باشند. آجیل و تنقلات هم از خوردنی‌های عادی مراسم کلوخ اندازان بود. در گردشگاه‌های عمومی بازی‌های گروهی بچه‌ها رواج

داشت و ماه رمضان با شادی‌های خانوادگی آغاز می‌شد. عصر که می‌شد، پس از يك روز تفریح، شادی، بازی و خوردن و آشامیدن، مراسم اصلی کلوخ‌اندازان اجرا می‌شد. چه بزرگ‌ترها و چه بچه‌ها، هر کدام کلوخی به دست می‌گرفتند و رو به قبله می‌ایستادند. يك نفر که اهل دل‌تر و خوش‌صداتر بود، چند بیتی شعر می‌خواند و دعا می‌کرد و می‌گفت: «خدایا ما در این‌جا جمع شده‌ایم تا از گناهان و بدی‌های يك سال گذشته توبه کنیم. گناهان و کارهای بد خودمان را مثل کلوخی که در دست داریم، می‌شکنیم و دور می‌ریزیم و خودمان را برای روزه‌داری و عبادت آماده می‌کنیم.»

آن وقت بزرگ و کوچک کلوخ‌هایشان را به زمین می‌کوبیدند تا خرد شود یا آن را به دور دست‌ها پرتاب می‌کردند. مردم عقیده داشتند با خرد شدن کلوخ گناهانشان هم بخشیده می‌شود.



چ پیشواز

رسم استقبال از ماه رمضان و رفتن به پیشواز این ماه، هنوز هم در میان مردم رایج است. روزه‌گیرها، یک روز و گاه دو تا سه روز پیش از ماه رمضان روزه می‌گیرند تا هم ثواب روزه در روزهای آخر ماه شعبان را ببرند و هم برای روزه گرفتن در ماه رمضان تمرین کنند. بچه‌ها معمولاً در این روزها مثل بزرگ‌ترها به پیشواز ماه رمضان می‌روند و چون شکستن روزه در این روزها گناهی ندارد، با خیال آسوده‌تری روزه می‌گیرند و وسط روز، روزه‌خواری می‌کنند!



ح بچه‌ها زودتر ماه را می‌بینند!

حالا دیگر کسی به پشت بام‌ها نمی‌رود تا هلال ماه اول رمضان را ببیند؛ زیرا دانشمندان به وسیله‌ی دستگاه‌های ارتباطی و با استفاده از راه‌های علمی، فرا رسیدن ماه را پیش‌بینی می‌کنند و در تقویم‌ها می‌نویسند.

در گذشته‌های نه چندان دور، بزرگ‌ترها برای دیدن ماه به پشت بام خانه‌ها یا بالای بلندی‌ها و تپه‌های اطراف شهر می‌رفتند. آفتاب آخرین روز ماه شعبان که غروب می‌کرد، چشم به آسمان می‌دوختند تا هلال ماه

رمضان را ببینند. در این مراسم ویژه،

بچه‌ها جایگاه مهمی داشتند و بیشتر

مورد توجه قرار می‌گرفتند؛

زیرا بزرگ‌ترها عقیده

داشتند چشم بچه‌ها







تیزبین‌تر است و زودتر می‌توانند حلول ماه را ببینند. هلال اول ماه معمولاً خیلی زود ناپدید می‌شود و خیلی باریک است و به سختی دیده می‌شود، اما دیدن آن برای روزه‌داران خیلی مهم است؛ زیرا نشانه‌ی آمدن ماه رمضان است. بعد از دیده شدن ماه، خبر دهان به دهان پخش می‌شود و مردم به دیدن علما و بزرگان می‌روند و فرارسیدن ماه رمضان را به آن‌ها و به یکدیگر تبریک می‌گویند. بعضی‌ها بعد از دیدن ماه چشمشان را می‌بندند تا چشمشان به آدم‌های بد و کناهاکار نیفتد. آن‌ها سعی می‌کنند وقتی چشمشان را باز می‌کنند، نگاهشان

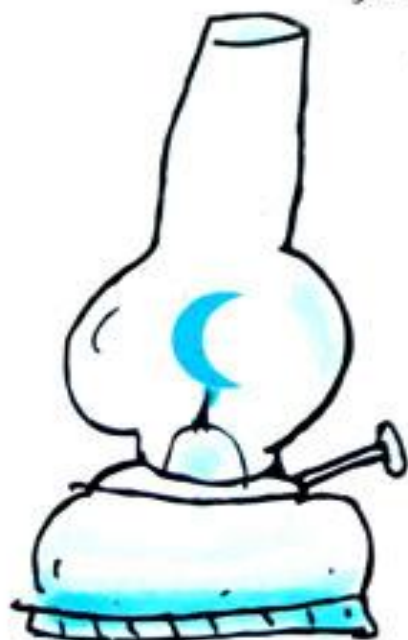
به نور یا به چهره‌ی آدمی خداپرست و

خوش‌اخلاق و نورانی یا به صورت یک

کودک بی‌گناه بیفتد. بعضی‌ها هم

دنبال آینه می‌گردند که چشمشان به

جمال خودشان روشن شود.





ماه
رمضان



الف) بیدار کردن خوابیده‌ها

نخستین روز ماه رمضان، با برنامه‌ی بیدار شدن در نیمه شب و خوردن سحری آغاز می‌شود. کسی که در خواب بماند و سحری نخورد، به سختی می‌تواند روز بعد را روزه بگیرد. به همین دلیل بیدار شدن و بیدار کردن مردم برای سحری خوردن یکی از مهم‌ترین کارهای ماه رمضان است.

این روزها با وجود تلفن‌ها و ساعت‌های زنگ‌دار، دغدغه‌ی بیدار شدن یا خواب ماندن کمتر شده است، اما در گذشته‌های نه چندان دور، بیدار کردن مردم کار مهمی بود تا آن‌جا که بعضی‌ها نذر می‌کردند برای حل مشکلاتشان، در تمام شب‌های ماه رمضان وظیفه‌ی بیدار کردن همسایه‌ها را به عهده بگیرند. برای بیدار کردن مردم راه‌های زیادی اندیشیده بودند. معمولاً بچه‌ها، سه-چهار نفری گروهی را تشکیل می‌دادند، توی کوچه‌ها راه می‌افتادند و با چوب به طبل می‌کوبیدند تا

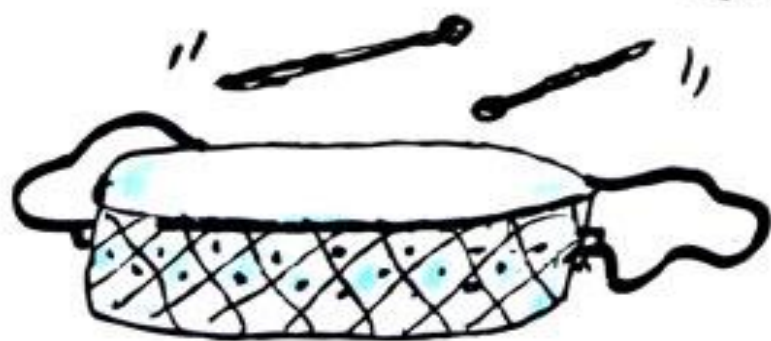


صدای طبل همسایه‌ها را برای خوردن سحری بیدار کند یا با کوبیدن قطعه چوبی روی یک پیت حلبی خالی سر و صدا راه می‌انداختند و خوابیده را بیدار می‌کردند.

در بوشهر رسم بود که دو ساعتی به صبح مانده، نوجوانان «دمام زن» با کوبیدن روی دمام موسیقی مخصوصی را اجرا کنند تا مردم با شنیدن آن بیدار شوند.

بچه‌ها، به شوق شرکت در مراسم بیدار کردن همسایه‌ها زود می‌خوابیدند و زود از خواب بیدار می‌شدند و از خانه بیرون می‌زدند تا با دوستان دیگرشان روزه‌داران خواب مانده را بیدار کنند و با رهبری بزرگ‌تری چراغ به دست، توی کوچه‌ها راه می‌افتادند و با زدن طبل و نواختن شیپور خبر می‌دادند که سحر شده است. کوبیدن در خانه‌ی همسایه‌ها، جار کشیدن، همخوانی دعاها و شعرها

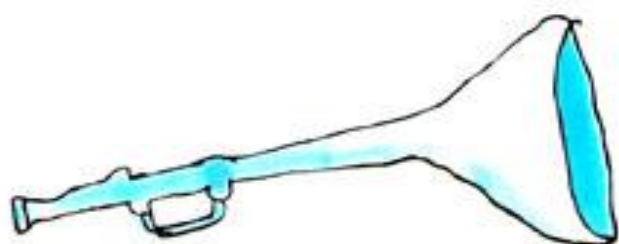
و صدا کردن
صاحب خانه‌ها



از کارهای دیگری بود که برای بیدار کردن مردم انجام می‌دادند. در بعضی از شهرهای زیارتی، مثل قم و مشهد با نواختن نقاره رسیدن وقت سحر اعلام می‌شد. در بعضی از شهرها هم ارتش توپی را بالای تپه‌ای مستقر می‌کرد و با توپ در کردن و صدای انفجار مردم را از خواب بیدار می‌کرد. شب‌ها معمولاً دو بار توپ در می‌کردند. صدای انفجار توپ اولی برای بیدار کردن مردم بود و صدای توپ بعدی نشان می‌داد که صبح شده و وقت خوردن سحری به پایان رسیده است.

به صدا درآوردن «بوق حمام» نیز یکی از راه‌های بیدار کردن مردم بود. گفتیم که در گذشته حمام‌ها روزها به زنها اختصاص داشت و شب‌ها مخصوص مردها بود. صاحبان حمام یک نفر را استخدام می‌کردند تا به پشت‌بام حمام برود و با

دمیدن در بوق بزرگی، به اهالی محل خبر بدهد که حمام باز شده یا نوبت مردانه‌ی حمام



به پایان رسیده است و زن‌ها می‌توانند به حمام بیایند.
 در ماه رمضان از بوق حمام استفاده‌ی دیگری هم می‌شد.
 مسئول دمیدن بوق حمام با به صدا درآوردن آن «بوق اول»
 را می‌زد و به مردم خبر می‌داد که وقت بیدار شدن و خوردن
 سحری شده است. بعد از ساعتی، صدای «بوق دوم» را در
 می‌آورد و با این کار به همه می‌گفت که صبح شده و دیگر
 باید دست از خوردن و آشامیدن بکشند. مازندرانی‌ها عقیده
 داشتند که بیدار کردن مردم برای سحری خوردن خیلی ثواب
 دارد. هر کس که بچه‌دار نمی‌شد یا آرزو داشت فرزند پسری
 داشته باشد، نذر می‌کرد که برای رسیدن به آرزویش یک ماه
 تمام سحرها مردم را بیدار کند.

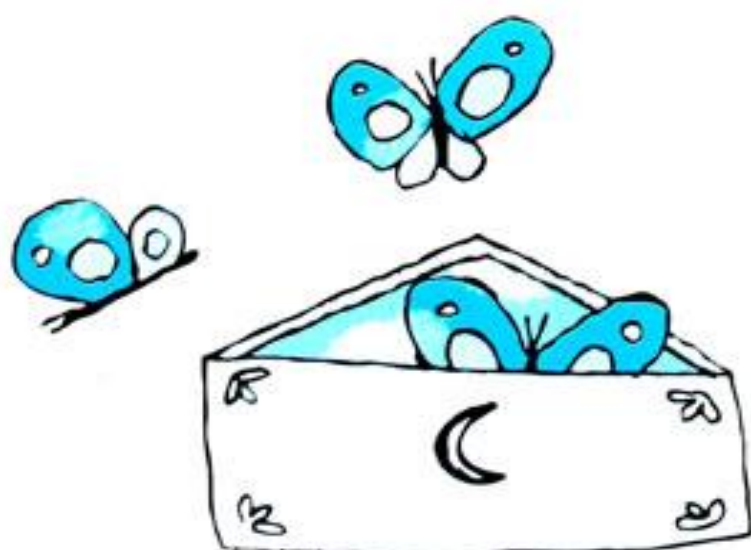


ب روزه‌داری و افطاری

در ساعات روز، معمولاً بچه‌ها به پر و پای بزرگ‌ترها نمی‌پیچیدند؛ زیرا بزرگ‌ترها روزه می‌گرفتند و کرسنه و تشنه بودند و حال و حوصله‌ی سر و کله زدن با بچه‌ها را نداشتند، اما افطار که نزدیک می‌شد، بچه‌ها فعال می‌شدند. خرید نان تازه و کمک به چیدن سفره‌ی افطار از مهم‌ترین کارهای بچه‌ها بود. بچه‌ها با این کارهایشان به بزرگ‌ترها نشان می‌دادند که تغییر وضعیت را می‌فهمند و برای کمک به بزرگ‌ترها آماده‌اند.



«روزه سری» یکی از برنامه‌های روز اول ماه رمضان بوده است. نوجوانانی که برای اولین بار روزه می‌گرفتند، با این که معمولاً هنگام افطار خیلی کرسنه و تشنه بودند، تا از بزرگ‌ترهایشان هدیه نمی‌گرفتند، لب به آب و غذا نمی‌زدند، به این هدیه‌ی مخصوص «روزه سری» می‌گفتند.



پس از افطار

شب‌های ماه رمضان و آداب و مراسم ساعت‌های پس از افطار از شادترین و دوست‌داشتنی‌ترین برنامه‌های بچه‌ها بوده است. بعد از افطار، اغلب مردم برای شرکت در نماز جماعت به مسجد محل می‌رفتند و بچه‌ها هم مثل بزرگ‌ترها صف‌های نماز را پر می‌کردند. در مسجد پذیرایی از نمازگزاران هم رسم بوده است و کار پذیرایی کاملاً به بچه‌ها واگذار می‌شد.

پس از نماز، برنامه‌ی دید و بازدید و شب‌نشینی شروع می‌شد. خانواده‌ها هر کدام با قرار قبلی راه می‌افتادند و برای شب‌نشینی به دیدن آشنایان، بستگان و همسایگان می‌رفتند. بزرگ‌ترها اغلب کپ‌وگفت خودشان را داشتند و برای بچه‌ها که در طول روز کمتر بازی و شلوغ‌کاری کرده



بودند، فرصت خوبی بود که دور هم جمع شوند و تا جایی که دلشان می‌خواهد، بازی کنند. شب‌نشینی‌ها تا پاسی از شب گذشته ادامه پیدا می‌کرد و با خوردن شیرینی و چای و تنقلات همراه بود.

بعضی از خانواده‌ها، شب‌نشینی‌ها را با قصه‌گویی همراه می‌کردند. یکی که از همه با تجربه‌تر یا با سوادتر بود، کتابی مثل شاهنامه، هزار و یک شب، مثنوی مولوی، فرج بعد از شدت، رموز حمزه، حسین‌گرد یا کتاب داستان دیگری را به دست می‌گرفت و قصه‌ای از قصه‌های کتاب را برای دیگران می‌خواند و قصه‌گویی می‌کرد. بچه‌ها که عاشق قصه و قصه‌گویی‌اند، بهترین شنوندگان این قصه‌ها بودند. ماجراها و داستان‌های قضاوت‌های حضرت علی (علیه‌السلام)، از شنیدنی‌ترین قصه‌های پس از افطار برای بچه‌ها بود. در بعضی از شب‌ها که



برنامه‌ای برای رفت و آمد و شب‌نشینی نداشتند، مردان شال و کلاه می‌کردند و به قهوه‌خانه می‌رفتند. با این که در روز و شب‌های دیگر، قهوه‌خانه جای مناسبی برای حضور بچه‌ها نبود، در ماه رمضان بچه‌ها اجازه داشتند همراه بزرگ‌ترها به قهوه‌خانه بروند و مثل بزرگ‌ترها یک استکان چای بنوشند و پای نقالی مرشد بنشینند و به قصه‌های او گوش بسپارند.

خیلی از خانواده‌ها، برنامه‌ی شب‌نشینی را

نه بعد از افطار، بلکه با افطار آغاز می‌کنند. افطاری دادن از کارهایی است که، در آیین ما به آن توصیه شده است. افطاری‌های ماه رمضان این خوبی را دارند که میزبان می‌داند دقیقاً در چه ساعتی همه‌ی میهمانانش برای خوردن غذا دور هم جمع می‌شوند و دیگر نیازی به این نیست که مدت‌ها منتظر آمدن بقیه باشد و غذا دادن



به آن‌هایی را که به موقع آمده‌اند، به تأخیر بیندازد. بچه‌ها پای ثابت چیدن سفره، جمع‌آوری آن و حتی شستن ظرف‌ها و پذیرایی از میهمان‌ها هستند.

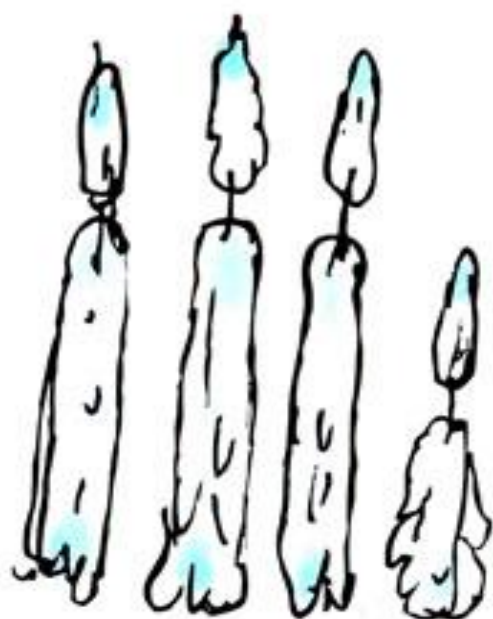


ت احیاء (شب زنده داری)

در اغلب نقاط ایران شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان را که یادآور شهادت حضرت علی (علیه السلام) است، با مراسم خاصی پشت سر می‌گذارند. بزرگ‌ترها برای شرکت در مراسم احیاء ابتدا غسل می‌کنند و بعد به مسجد محل می‌روند. بخشی از مراسم احیاء با این که در مسجد و میان بقیه‌ی مردم انجام می‌شود، شخصی است. مثل خواندن نماز مستحبی و تلاوت قرآن کریم، اما بخش عمده‌ی مراسم شب احیاء به صورت گروهی انجام می‌شود؛ مثل خواندن دعاهای افتتاح، خواندن دعاهای جوشن کبیر، جوشن صغیر و مجیر.

خواندن نمازهای مستحبی و دعا از کارهایی است که در شب‌های دیگر هم انجام می‌شود. برنامه‌ی مخصوص شب احیاء، قرآن به سرگرفتن است. چراغ‌های مسجد را خاموش می‌کنند. بعد دعایی خوانده می‌شود که در آن خداوند مهربان

را به عظمت خودش و ارزش چهارده معصوم قسم می‌دهند که از کناهان همه در گذرد. کسانی که احیاء می‌گیرند، سعی می‌کنند تا سحر نخوابند و پس از خوردن سحری و خواندن نماز صبح، سر به بالین بگذارند.





ماه شادی

❁ با وجود دید و بازدیدهای شبانه، قصه‌گویی‌ها و شرکت در برنامه‌های بیدار کردن مردم در سحر و مراسم افطاری دادن در خانه و مساجد و بازی‌های گروهی پس از افطار، این ماه برای بچه‌ها ماهی شادی‌آفرین و مبارک بوده است.

علاوه بر آداب و رسومی که گفته شد، در ماه مبارک رمضان برنامه‌های دیگری هم بوده که باعث شادمانی بچه‌ها می‌شده است. با این‌که برنامه‌ها و مراسم شادی‌آور ماه رمضان در شهرهای مختلف فرق دارد، اما تقریباً هیچ‌جایی در ایران نبوده که مردمش یکی از این برنامه‌های گروهی و شاد را در طول ماه مبارک رمضان نداشته باشند.

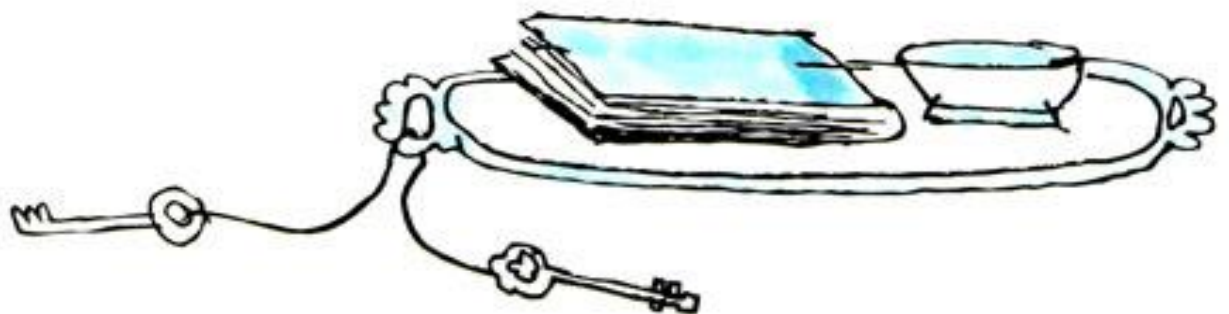
الف کلیدزنی

در میان مردم استان کرمان، کلیدزنی، یکی از رسم‌های شادی‌بخش بوده است. نوجوان‌ها، مخصوصاً دختران نوجوان، برای شرکت در مراسم کلیدزنی گروه‌های چند نفری تشکیل می‌دهند و چادر به سر می‌کنند؛ چه دختر و چه پسر؛ به در خانه‌ی همسایه‌ها و آشنایان می‌روند. چادر پوشیدنشان طوری است که کاملاً صورتشان هم پوشیده می‌شود تا کسی نتواند آن‌ها را بشناسد.

کلیدزن‌ها توی یک سینی قدیمی، آئینه، سرمه‌دان، قرآن و گاهی ظرفی پر از زیره می‌گذارند و به در خانه‌ها می‌روند. به در هر خانه‌ای که می‌رسند، با کلید به سینی می‌زنند و با صدای کلید زدن صاحب‌خانه را خبر می‌کنند. صاحب‌خانه از خانه بیرون می‌آید و در عین حال که تلاش می‌کند کلیدزن‌ها را شناسایی کند، آئینه را از توی سینی برمی‌دارد و در آن به چهره‌ی خودش نگاه می‌کند. بعد قرآن را برمی‌دارد و می‌بوسد

و دوباره توی سینی می‌گذارد. آن وقت در حد توانایی مالی خودش مقداری پول یا آجیل یا خوردنی‌های دیگر در سینی می‌گذارد. یکی از کلیدزن‌ها که کیسه‌ای با خود آورده، هدیه‌ی صاحب‌خانه را برمی‌دارد و توی کیسه می‌ریزد و گروه کلیدزن‌ها به در خانه‌های دیگر می‌روند.

کلیدزن‌ها معمولاً از آنچه که به دست آورده‌اند، خودشان استفاده نمی‌کنند و پول و خوردنی‌های جمع شده را به فقرا و تهیدستان می‌دهند. این رسم در بسیاری از شب‌های ماه رمضان اجرا می‌شود و تا چند ساعت پس از افطار ادامه پیدا می‌کند.



ب (الله رمضونی)

آذربایجانی‌ها و ترکمن‌ها هم رسمی مشابه رسم مردم کرمان دارند. آن‌ها وقتی به در خانه‌ای می‌رسند، مشغول خواندن شعر می‌شوند. سرگروه شعرهایی می‌خواند که با آن، آمدن ماه رمضان را به صاحب‌خانه تبریک می‌گوید. سرگروه یا سرخوان که باید خوش‌صدا هم باشد، پس از خواندن شعر برای موفقیت صاحب‌خانه دعا می‌کند. گروه او به صورت همخوانی «الله‌هو» یا «صَلَّى عَلٰی مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتُ بَرِّ مُحَمَّدٍ» می‌گویند، آن‌ها هم پس از جمع‌آوری پول و خوراکی، دست‌آورد خود را میان فقرا تقسیم می‌کنند.



پ هدیه فرستادن

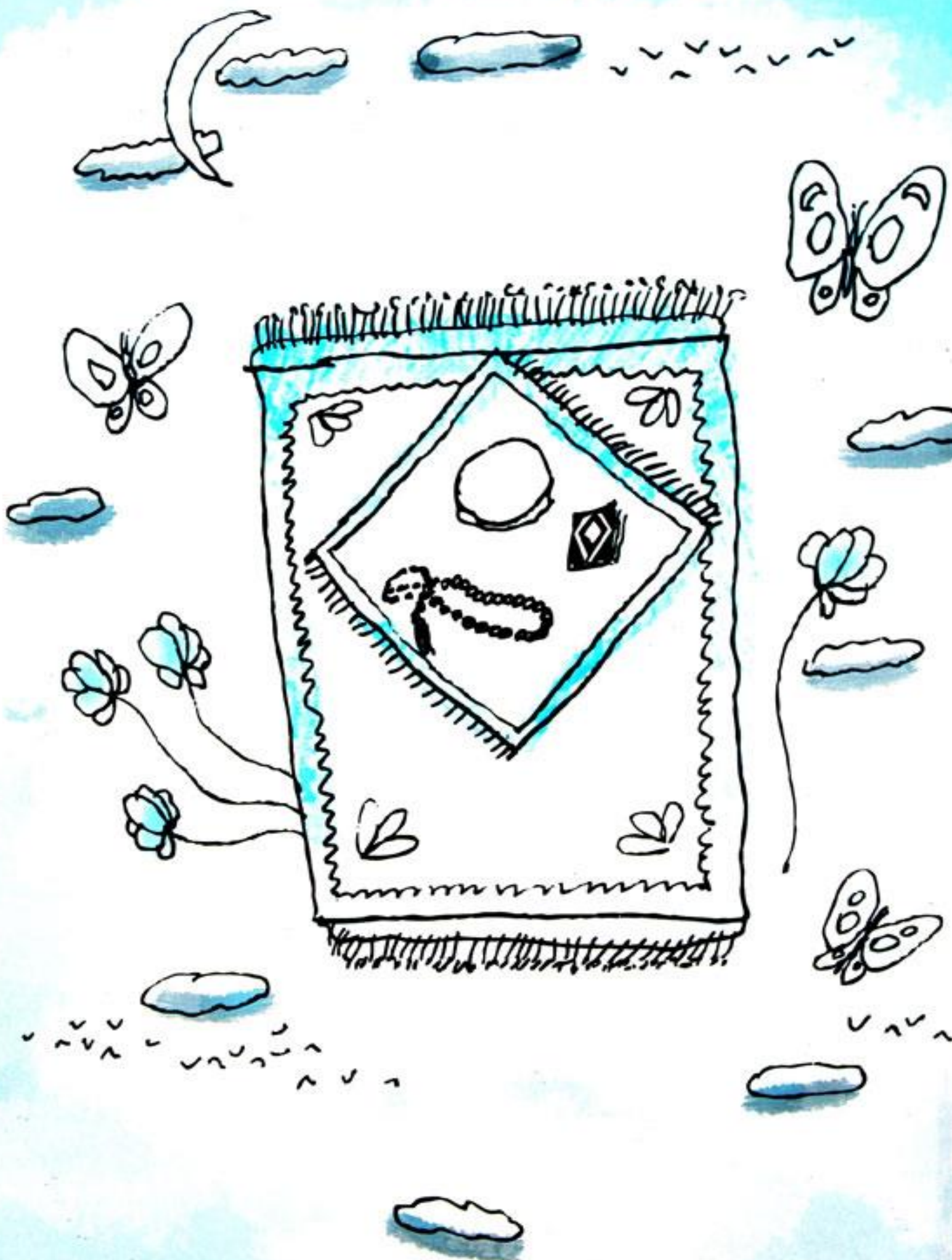
در طول ماه رمضان، مخصوصاً در شب اول و پانزدهم ماه، خانواده‌هایی که به تازگی یکی از فرزندان‌شان ازدواج کرده و سرپناهی برای خود فراهم آورده‌اند، برای نوعروس و نوداماد هدیه می‌فرستند. معمولاً این هدیه‌ها شامل غذای کامل و رنگارنگ افطاری و چند تکه پارچه یا لباس است.



ت ختم قرآن و نماز

مسلمانان روزه‌دار سعی می‌کنند در هر روز از روزهای ماه يك جزء، از سی جزء قرآن مجید را بخوانند تا در پایان ماه يك بار تمام قرآن را تلاوت کرده باشند. بچه‌ها هم ختم قرآن دارند و سر این‌که چند جزء قرآن را خوانده‌اند، با یکدیگر کل کل می‌کنند. در بندرعباس و همدان و یزد مخصوصاً در شب‌های قدر، مردم به مسجدها می‌روند و به خواندن نماز مستحبی می‌پردازند. در این شهرها خواندن صد رکعت نماز (۵۰ نماز دو رکعتی) رسم است. در میان ترکمن‌ها خواندن نماز «تراویح» رایج است. هر شب پس از نماز واجب، مردم ۲۰ رکعت نماز (۱۰ نماز ۲ رکعتی) به جماعت می‌خوانند و بعد به خواندن قرآن مشغول می‌شوند.





ث غذاها

در هر شهری غذاها، شیرینی‌ها و نان‌های خاصی به مناسبت ماه رمضان تهیه می‌شود که جز در ماه رمضان دیدن و خوردن چنان غذاهایی کمتر پیش می‌آید.
مثلاً در:

همدان: انگشت پیچ، زولبیا، بامیه

کرمان: آش روزه، قاتق عدس

جهرم: آش بی‌بی سه‌شنبه

خراسان: آش قره‌میخ، حلوی خالك، دمی ماش، شامی ماش،

یخ در بهشت

قم: آش قونبید

شیراز: حلوی گل‌زرد، حلوی شیر، رنگینک،

قنبر پلو

کاشان: دیزی تنوری، خورش چغندر

گیلان: رشته خوشکار



قزوین: پنیر کوزه، دیماج

یزد: شولی

این‌ها از خوردنی‌های ماه رمضان است.

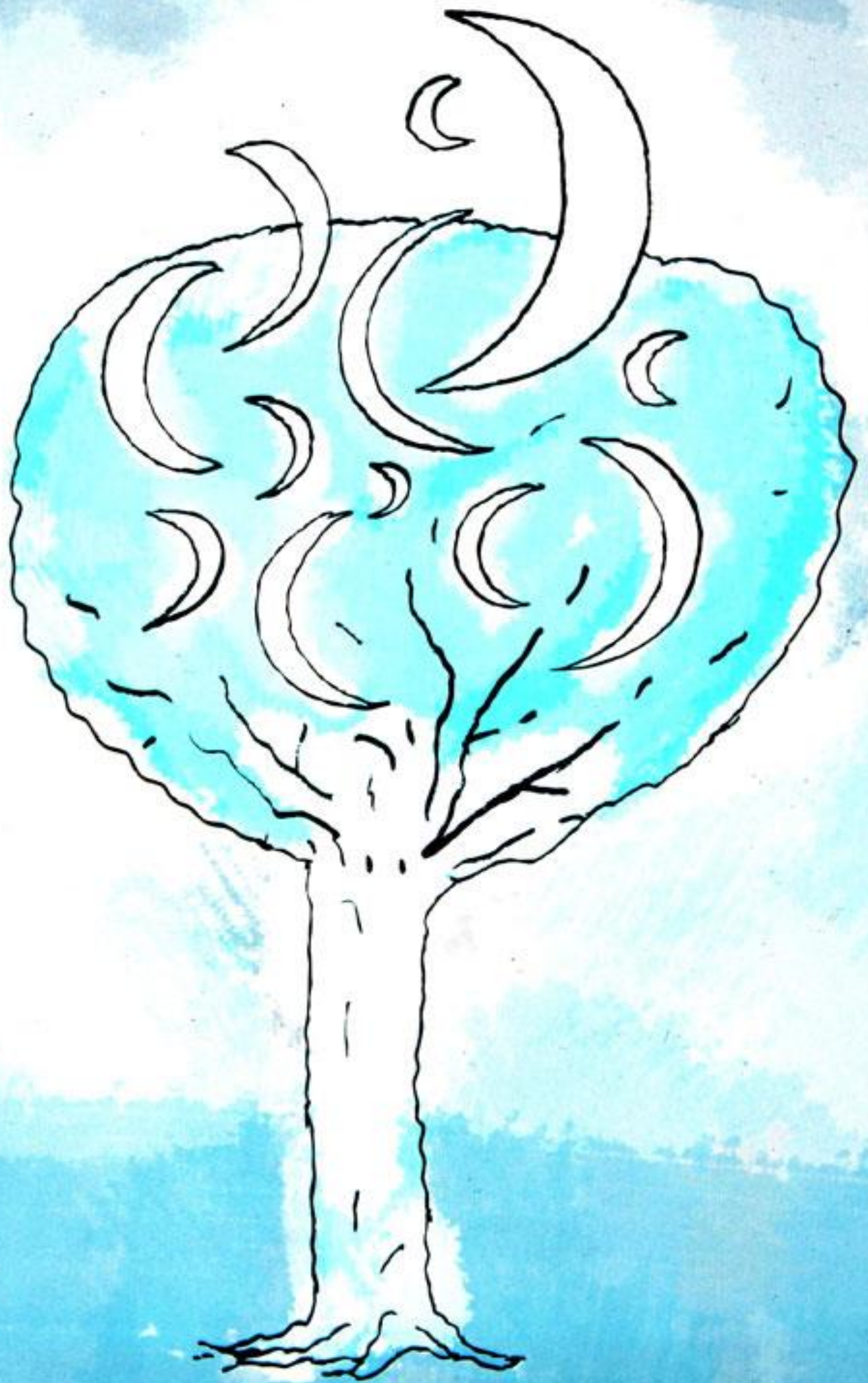


ج مراسم نیمه‌ی ماه رمضان

نیمه‌ی ماه مبارک رمضان، سالروز تولد امام حسن مجتبی (علیه السلام) است. مسلمانان عید تولد امام حسن (علیه السلام) را شادی دیگری در دل شادی ماه رمضان می‌دانند و جشن‌ها و میهمانی‌های مفصلی به این مناسبت تدارک می‌بینند.

علاوه بر جشن تولد امام دوم از گذشته‌های دور، به این دلیل که روزه‌داران توانسته‌اند نیمی از ماه را با موفقیت پشت سر بگذارند و همچنین به خاطر دعا برای این که بتوانند بقیه‌ی ماه را هم روزه بگیرند، مراسم ویژه برپا می‌کردند؛ مثلاً در کاشان و اطراف آن در بعضی از شب‌ها و مخصوصاً در شب پانزدهم ماه رمضان مراسمی اجرا می‌شده که آن را «هوم بابایی» نامیده‌اند.

این رسم فقط توسط نوجوانان اجرا می‌شده است؛ به این صورت که پس از افطار نوجوان‌ها در محل جمع می‌شدند و



از میان خود يك نفر را به عنوان «میدان‌دار» و يك نفر را هم به عنوان «صندوق‌دار یا انباردار» انتخاب می‌کردند. نوجوان‌ها پس از جمع شدن در جایی با فرستادن سه صلوات به در این خانه و آن خانه می‌رفتند. میدان‌دار با رسیدن به اولین خانه، در خانه را می‌زد و مشغول خواندن می‌شد و بقیه‌ی گروه به دنبال او هوم‌باباگویان صاحب‌خانه را به دادن هدیه ترغیب می‌کردند.

امشب شب نیمه است و ما مهمانیم

هوم‌بابا هوم بابا

بر ما حرجی نیست که ما طفلانیم

هوم‌بابا هوم بابا

بشقاب پر از کلوچه و حلوا کن

هوم‌بابا هوم بابا

بردار و بیار به دامن ما ها کن

هوم‌بابا هوم بابا

هوم‌باباخوان‌ها آن قدر پشت در می‌ماندند و شعر می‌خواندند

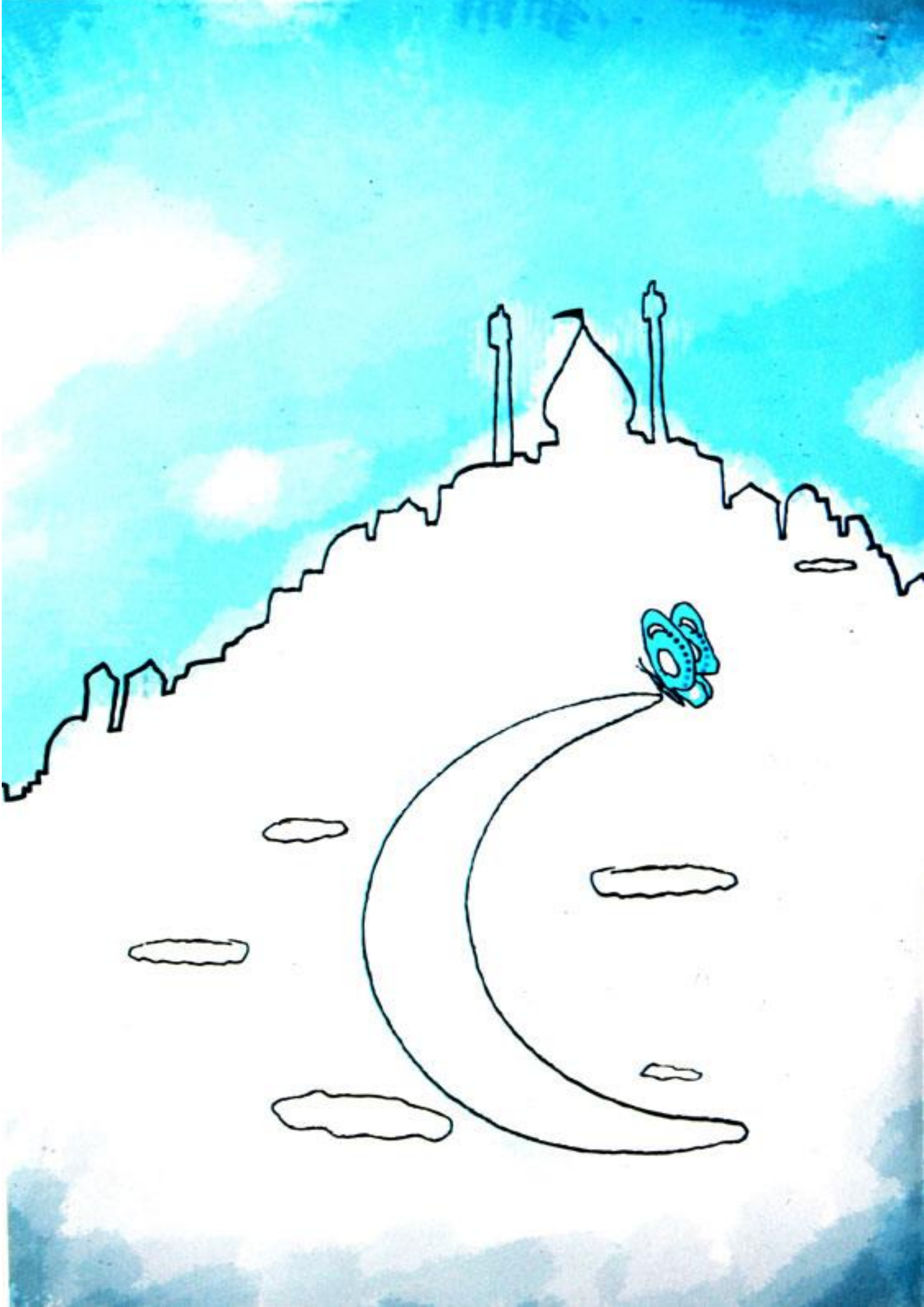
تا صاحب خانه چیزی به آن‌ها بدهد. انباردار هدیه‌ها را می‌گرفت و نکه می‌داشت. هوم‌باباخوان‌ها پس از گرفتن هدیه برای سلامتی صاحب خانه دعا می‌کردند و به در خانه بعدی می‌رفتند. این مراسم با کمی تغییر در میان ترکمن‌ها هم رواج داشته و آن را مراسم «یا رمضان» نامیده‌اند.

در دعاهای این مراسم به صاحب خانه از این که توانسته نصف ماه رمضان را روزه بگیرد، تبریک می‌گفتند و برایش دعا می‌کردند که بقیه‌ی ماه را هم بدون مشکل موفق به روزه‌داری شود. در آذربایجان رسم است که به گروه سرودخوان نیمه‌ی رمضان، خوردنی‌هایی مثل سنجد، گردو، باسلق، نقل و آجیل و... هدیه می‌دهند.



چ شب قدر (بیست و هفتم ماه)

شب قدر در ماه رمضان است، اما معلوم نیست کدام يك از شب‌های آن است. ایرانی‌ها شب نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و هفتم ماه رمضان را به عنوان شب قدر به دعا و مناجات می‌پردازند. شب بیست و هفتم ماه رمضان از شب‌های مهم این ماه مبارك است؛ زیرا بعضی‌ها با تکیه به فرموده‌های پیامبر اکرم (ص) احتمال بیشتری می‌دهند که این شب، شب قدر باشد. از طرف دیگر، بنا به گفته‌های تاریخی، ابن ملجم قاتل حضرت علی (علیه السلام) در این شب قصاص شده و سالروز مرگ او سبب شادی مسلمانان شده است. در شب و روز بیست و هفتم ماه مبارك رمضان مراسم خاصی در گوشه و کنار ایران انجام می‌شد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.



❖ کیسه دوزی

این مراسم که در آذربایجان به نام «برکت کیسه سی» شناخته می‌شود، در شهرهای دیگری مثل همدان، ملایر، بیجار، گیلان، دماوند و کرج به «کیسه دوزی یا کیسه‌ی مراد» مشهور است. کسی که آرزویی دارد، به یکی از پیرزن‌های با صفای نزدیکانش مراجعه می‌کند و از او می‌خواهد که برایش کیسه‌ی مراد بدوزد.

پیرزن با صفا به خانه‌ی آشنایان می‌رود و از آن‌ها می‌خواهد که برای خرید پارچه‌ی کیسه‌ی مراد به او کمک کنند. با پولی که به دست می‌آورد، پارچه می‌خرد و با سوزن تازه‌ای که قبلاً با آن چیزی دوخته نشده است، کیسه‌ی مراد می‌دوزد. کیسه‌ی مراد باید وسط دو نماز ظهر و عصر دوخته شود. کسی که می‌خواهد کیسه‌ی مراد بدوزد، پارچه و نخ و سوزن را با خود برمی‌دارد و به مسجد می‌رود. نماز ظهر را که به جماعت خواند، با عجله به دوختن کیسه می‌پردازد تا پیش از

شروع نماز عصر، دوختن کیسه را به پایان رسانده باشد.
پیرزن کیسه‌دوز، همان روز کیسه را با سکه‌ای که توی آن
انداخته به آرزومندی که از او برای دوختن کیسه درخواست
کرده است، می‌سپارد. کیسه‌دوزها عقیده دارند این کیسه
مایه‌ی خیر و برکت در زندگی و برآورده شدن دعاها و رسیدن
به آرزوها می‌شود.



➤ پیراهن مراد

در برخی از شهرها مراسمی مشابه مراسم دوختن کیسه‌ی برکت برای دوختن پیراهن مراد انجام می‌شود. زنانی که بچه‌دار نمی‌شوند و کسانی که بیمار لاعلاج در خانه دارند، با همان مقدماتی که گفته شد؛ پیراهنی می‌دوزند و به تن کسی که مشکل دارد، می‌پوشانند و عقیده دارند تا ماه رمضان بعدی مشکلشان حل می‌شود.



✦ آتش زدن آدمک ابن ملجم

در برخی از شهرها با کهنه‌ترین و کثیف‌ترین پارچه‌های به درد نخور آدمکی می‌سازند و اسم آن را آدمک ابن ملجم می‌گذارند. این آدمک که بی‌شبهت به یک مترسک نیست، بعد از نماز ظهر و عصر و نزدیک افطار توسط کسانی که آن را ساخته‌اند، به گذرگاه‌های عمومی آورده می‌شود. مردم دور آدمک جمع می‌شوند و شعرهایی می‌خوانند که در آن ابن ملجم لعنت شده است، سپس روی آدمک نفت می‌ریزند و آن را آتش می‌زنند تا با این کار نفرت خود را از قاتل حضرت علی^(ع) ابراز کنند.



شب بیداری

جوانان و نوجوانان ترکمن، شب بیست و هفتم ماه رمضان را سعی می‌کنند تا صبح بیدار بمانند. پسران با تهیه‌ی خوردنی‌های کوناکون، در خانه‌ای جمع می‌شوند و بعد از خواندن قرآن و دعا به قصه‌گویی، بازی و گفتن خاطرات و خوشی می‌پردازند. آن‌ها

عقیده دارند که در این شب هیچ کس نباید تا اذان صبح بخوابد. اگر کسی خوابش ببرد، با نخ و سوزن لباسش را به فرش زیراندازش می‌دوزند یا با دوده و واکس صورتش را سیاه می‌کنند. دخترها نیز در این شب کرد هم می‌آیند و مراسمی مشابه مراسم پسرها در خانه‌ای که امکانات بیشتری داشته باشد، به پا می‌دارند.

ترکمن‌ها عقیده دارند که شب بیست و هفتم ماه رمضان دو پیامبر الهی یعنی حضرت خضر^ع و حضرت الیاس^ع به میان مردم می‌آیند، اما کسی آن‌ها را نمی‌شناسد و هر کس آن‌ها را ببیند، خوشبخت می‌شود.





عيد فطر

❁ عید قربان و عید فطر، دو عید بسیار مهم مسلمانان است. عید فطر، نخستین روز ماه شوال است. مسلمانان برای این که مطمئن شوند عید فطر شده و ماه رمضان به پایان رسیده است، مثل اول ماه، با بچه‌های تیز چشم به بلندی‌ها و پشت‌بام‌ها می‌روند تا هر چه زودتر و بهتر برآمدن هلال ماه شوال را ببینند. گرفتن روزه در روز اول ماه شوال حرام است، به همین دلیل دیدن هلال ماه شوال و اطمینان از پایان یافتن ماه رمضان خیلی مهم است.

الف نماز عید

بعد از این که مسلمانان مطمئن شدند ماه رمضان تمام شده و ماه شوال آمده است، به مسجدهای محل خود می‌روند تا نماز عید را برپا دارند. رسم بوده است که مسلمانان تکبیرگویان به در خانه‌ی امام جماعت بروند و او را پیاده به مسجد بیاورند. نماز عید فطر با سپاس از خدا که توانایی روزه گرفتن یک ماهه را به روزه‌داران داده است و دعا برای خوشبختی و سلامتی تا ماه رمضان بعد تمام می‌شود.



ب فطریه

مبلغی پول است که بر اساس قوانین دینی پرداخت آن بر مسلمانان واجب است. پیش و بعد از نماز عید، هر کس فطریه‌اش را آماده می‌کند تا به مستمندان و تهیدستان بدهد.



پ دید و بازدید

رسم بوده است که مسلمانان برای خواندن نماز عید با لباس‌های نو به مسجد بروند و پس از نماز برای گفتن تبریک عید به خانه‌ی علما، بزرگان قوم، ریش‌سفیدها و دوستان و بستگان سر بزنند.



ت هدیه

در روز عید فطر بزرگ‌ترها به بچه‌ها عیدی می‌دهند و نوعروسان و تازه‌دامادها از خانواده‌شان هدیه می‌گیرند. بچه‌هایی که برای اولین بار توانسته‌اند یک ماه تمام روزه بگیرند، هدیه‌هایی دریافت می‌کنند که از طرف پدر و مادر و دیگر بستگان دور و نزدیک برایشان فرستاده شده است.

با فرا رسیدن عید فطر، ماه مبارک، ماه شادی‌بخش و ماه رنگارنگ رمضان به پایان می‌رسد. گویی همه با افسوس می‌گویند: عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت

صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت





ماه نهم سال قمری «رمضان» نام دارد. در ماه رمضان، هر مسلمانی که توانایی داشته باشد، روزه می‌گیرد. یعنی از آغاز صبح تا آغاز شب چیزی نمی‌خورد و نمی‌آشامد و سعی می‌کند آدم خوبی باشد دروغ نگوید، زور نگوید. حرف بد نزند و...

با این که روزه‌داری مال بزرگ‌ترهاست، اما بچه‌ها هم در ماه رمضان وضعشان عوض می‌شود. در ماه رمضان، زندگی خانوادگی یک جور دیگر می‌شود. مثل ماه‌های دیگر، افراد خانواده با هم صبحانه و ناهار نمی‌خورند. ساعت خواب و بیداری و کار و بازی و... مردم تغییر می‌کند. زندگی بچه‌ها هم که در خانه و با بزرگ‌ترها زندگی می‌کنند یک جور دیگر می‌شود.



مؤسسه نشر شهر
سازمان فرهنگ، معارف و شهرداری تهران